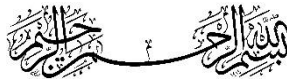


بررسی فقهی و الزامات تقنینی پیوند اعضا
با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری



مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی
گروه فقه و حقوق / کارگروه فقه

	عنوان: بررسی فقهی و الزامات تقنینی پیوند اعضا با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری
	شماره ثبت لایحه/طرح: -
	شماره ثبت در مرکز: ۰۴/-/۸۵-۷۴۶
	تاریخ انتشار: زمستان ۱۴۰۴
نویسنده: دکتر حسینعلی بای	
همکار پژوهشی: حجت الاسلام دکتر مهدی شجریان	
کارشناس مرکز: سید محمدمهدی موسوی	



**بررسی فقهی و الزامات تقنینی پیوند اعضا
با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری**

مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی

گروه فقه و حقوق / کارگروه فقه

زمستان ۱۴۰۴

فهرست

- ۷..... خلاصه مدیریتی
- ۹..... مقدمه
- ۱۰..... ۱. اهم نکات بیان شده در شورای عالی فقه
- ۱۲..... ۲. تحلیل فقهی ابعاد مسئله بر مبنای فتاوی مقام معظم رهبری
- ۱۲..... ۲.۱. ماهیت مرگ مغزی و جواز برداشت عضو
- ۱۳..... ۲.۲. جایگاه «وصیت» در برابر «اذن اولیا»
- ۱۴..... ۲.۳. مسئله دیه و ضمانت کادر درمان
- ۱۵..... ۲.۴. گیرنده عضو: مسلمان و غیرمسلمان
- ۱۵..... ۲.۵. پیوند از اعضای حیوان
- ۱۶..... ۲.۶. تشریح در برابر پیوند
- ۱۷..... توصیه‌های سیاستی

خلاصه مدیریتی

بیان مسئله: فقدان قوانین جامع و شفاف در خصوص برخی زوایای پیچیده «پیوند اعضا» به ویژه در موارد مرگ مغزی، اولویت بندی گیرندگان و جایگاه رضایت ولی قهری در برابر وصیت متوفی، چالش های حقوقی و پزشکی متعددی در نظام سلامت کشور ایجاد کرده است. تضاد ظاهری میان «حرمت میت مسلمان» و «وجوب نجات نفس محترمه» نیازمند تبیین دقیق فقهی برای قانون گذاری است.

اهمیت و هدف: با توجه به نیاز حیاتی بیماران در صف انتظار و پیشرفت های پزشکی، قانون گذار نیازمند چارچوبی است که هم جان انسان ها را نجات دهد و هم مخالف با دستورهای شرع نباشد. هدف این پژوهش، استخراج مبانی فقهی جواز پیوند اعضا براساس فتاوی مقام معظم رهبری جهت ارائه پیشنهاد های تقنینی است.

ساختار: گزارش حاضر ابتدا به تبیین چالش های موجود و ضرورت بازنگری در قوانین می پردازد. پس از آن اهم نکاتی را که در شورای عالی فقه مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی استخراج شده است، گزارش می کند. سپس در بخش تحلیل فقهی، با محوریت فتاوی مقام معظم رهبری، مسائلی همچون وضعیت مرگ مغزی، رضایت اولیا، دیه اعضا و تفاوت گیرنده مسلمان و غیرمسلمان بررسی شده و تعارضات احتمالی با نظرات سایر فقها حل و فصل می گردد و در نهایت توصیه های سیاستی ارائه می شود.

یافته‌ها: براساس دیدگاه مقام معظم رهبری، پیوند اعضا از متوفی در صورتی که نجات جان نفس محترمی منوط به آن باشد یا با اذن قبلی فرد صورت گیرد، جایز است. وصیت فرد بر اهدای عضو معتبر است. همچنین، اهدای عضو مسلمان به غیرمسلمان جایز است و دریافت دیه در صورت وصیت متوفی متنفی می‌باشد.

توصیه‌های سیاستی: پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار «مرگ مغزی» را به‌عنوان موت شرعی یا حداقل به‌عنوان مجوز برداشت عضو در شرایط اضطرار به رسمیت بشناسد. همچنین لازم است اصالت «وصیت اهدا» بر «رضایت اولیا» در متن قانون تصریح شود تا در صورت وجود کارت اهدا، ممانعت ورثه فاقد اثر حقوقی باشد. جرم‌زدایی و معافیت از دیه در موارد دارای وصیت نیز باید در قانون لحاظ گردد.

مقدمه

مسئله پیوند اعضا یکی از مهم‌ترین مسائل مستحدثه در فقه پزشکی و حقوق سلامت است که با پیشرفت دانش پزشکی و امکان پیوند اعضای حیاتی مانند قلب، کبد و کلیه، ابعاد تازه‌ای یافته است. در نظام جمهوری اسلامی ایران، قانون‌گذاری باید در چارچوب موازین شرع مقدس اسلام صورت گیرد؛ از این رو، تبیین دقیق دیدگاه‌های فقهی در این حوزه برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی از اهمیت بنیادین برخوردار است.

چالش اصلی در این حوزه، ایجاد تعادل میان دو اصل فقهی مهم است: اول، «حرمت جسد مسلمان» که هرگونه تعرض، مثله کردن و بریدن اعضای آن را حرام و موجب دیه می‌داند. دوم، «وجوب حفظ نفس محترمه» که نجات جان انسان را یک از مهم‌ترین واجبات می‌شمارد. در این سپهر قانون‌گذار با سؤالاتی مواجه است نظیر اینکه: آیا مرگ مغزی از نظر فقهی موت قطعی محسوب می‌شود که بتوان احکام میت (مانند برداشت عضو) را بر آن جاری کرد؟ در صورت تراحم بین حق اولیای دم و وصیت متوفی برای اهدا، کدام یک مقدم است؟ آیا تفاوت مذهب یا دین گیرنده عضو، مانعی برای اهدا محسوب می‌شود؟ آیا پزشکان و تیم جراحی در صورت برداشت عضو (حتی با نیت خیر) ضامن پرداخت دیه هستند؟

اهمیت این گزارش از آن جهت است که عدم شفافیت قانون در این موارد، منجر به سرگردانی کادر درمان، هدر رفتن زمان طلایی برای پیوند اعضا و در نهایت فوت بیماران نیازمند می‌شود. از سوی دیگر، تصویب قوانینی که با مبانی فقهی همخوانی نداشته باشد، منجر به رفت و برگشت‌های مکرر مصوبات و اطاله دادرسی تقنینی خواهد شد.

از آنجا که فتاوی مقام معظم رهبری برای شورای محترم نگهبان ارزش معیاری دارد، این گزارش با تمرکز بر این فتاوا می‌کوشد حتی‌الامکان ابهامات موجود در این موضوع را برطرف کند.

۱. اهم نکات بیان شده در شورای عالی فقه

به دلیل اهمیت موضوع و ابعاد گسترده فقهی آن، قبل از تنظیم گزارش، جلسه‌ای از طرف شورای عالی فقه مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی برگزار شد. در این جلسه آیات و اساتید معظم (به ترتیب حروف الفبا): سید عبدالمطلب احمدزاده، جعفر بستان، محمد راغبی، محمد قائمی و سید محمدعلی مدرسی، به اظهار نظر پرداختند و زوایای مختلف موضوع را بررسی کردند. در کمال اختصار اهم نکات بیان شده در این جلسه به شرح ذیل بوده است:

الف) جواز پیوند اعضا از میت در فرض نجات جان انسان محل اختلاف نیست؛ چراکه در تزامن بین حرمت برداشت عضوی از جسد میت و وجوب نجات انسان مسلمان، دومی از اهمیت بسیار بالاتری برخوردار است.

ب) جواز پیوند از اعضای مرگ مغزی برای نجات انسان‌ها و همچنین درمان ضروری، توسط برخی از فقها مانند مقام معظم رهبری و آیت‌الله مکارم شیرازی اجازه داده شده است.

پ) در فرض ضرورت نجات انسان یا ضرورت درمان اذن اولیا شرط نیست. البته سزاوار است رضایت میت قبل از موت (وصیت) یا اذن اولیا اخذ شود. بر این اساس مناسب است در صورت فقدان وصیت میت، از ولی میت یعنی شخصی از بستگان میت که به صورت متعارف کارهای میت را پی گیری می کند، اجازه گرفته شود.

ت) برداشتن عضو از جسد مسلمان در فرض امکان برداشتن عضو از جسد غیرمسلمان مجاز نیست و تا حد امکان باید از اجساد غیرمسلمانان استفاده شود. بنابراین در صورت فقدان و ضرورت، استفاده از جسد مسلمان جایز است. البته ذکر این نکته در قانون با ملاحظاتی همراه است.

ث) از نظر مقام معظم رهبری اهدای عضو مسلمان به غیرمسلمان در فرض نجات جان جایز است.

ج) از نظر مقام معظم رهبری بر فرض وصیت یا اذن اولیا، برداشتن عضو جسد میت، موضوع تعلق دیه ایجاد جراحات بر میت نیست.

چ) برداشتن عضو از جسد میت به صورت متعارف کنونی در موارد ضروری نجات انسان‌ها یا درمان‌های ضروری جایز است و اشاره به این نکته در قانون که تا چند عضو چنین کاری مجاز است صلاح نیست؛ زیرا خود ایجاد شبهه و سؤال بی مورد است.

دارند که نجات جان آنان منوط به استفاده از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی است. بنابراین آیا استفاده از اعضای مبتلا به مرگ برای نجات جان بیماران دیگر جایز است؟

ج. اگر استفاده از اعضای بدن بیمارانی که در سؤال توصیف شده‌اند، برای معالجه بیماران دیگر، باعث تسریع در مرگ و قطع حیات آنان شود، جایز نیست. در غیر این صورت اگر عمل مزبور با اذن قبلی وی صورت بگیرد و یا نجات نفس محترمی متوقف بر آن عضو مورد نیاز باشد، اشکال ندارد.

۲.۲. جایگاه «وصیت» در برابر «اذن اولیا»

چنان‌که گفته شد سزاوار است رضایت اولیا اخذ شود، اما شرط نیست. این مسئله در عمل باعث می‌شود بیمارستان‌ها علیرغم داشتن کارت اهدای عضو متوفی، از ترس دعاوی حقوقی اولیا، بدون رضایت آن‌ها اقدام نکنند.

بر اساس فتوای مقام معظم رهبری:

- اگر میت در زمان حیات اذن داده باشد (وصیت)، برداشت عضو اشکال ندارد و موجب دیه نیست.

- اگر میت اذن نداده باشد اما اولیا بعد از مرگ اذن دهند، باز هم اشکال ندارد.

- اگر هیچ‌کدام اذن نداده باشند، اما نجات جان نفس محترمی منوط به آن باشد، برداشت عضو جایز است.

حاصل مطلب این است که «اذن متوفی» (وصیت) اصالت و استقلال دارد. این بدان معناست که قانون‌گذار می‌تواند حق وتوی اولیا را در مواردی که فرد کارت اهدای عضو دارد یا وصیت کرده، سلب نماید. شرط دانستن رضایت اولیا در کنار وصیت میت، مبنای شرعی ندارد و تنها جنبه احتیاط از باب جلوگیری از مفاسد احتمالی دارد.

۲.۳. مسئله دیه و ضمانت کادر درمان

ترس از تعقیب کیفری و پرداخت دیه، می‌تواند مانعی برای پزشکان در عمل جراحی پیوند اعضا باشد. فتوای مقام معظم رهبری در اینجا راهگشا است. مطابق دیدگاه ایشان چند فرض وجود دارد:

الف) فرض با اذن (خود میت یا ولی او): اگر برداشت عضو با اذن قبلی میت یا اذن اولیا باشد، موجب دیه نیست.

ب) فرض بدون اذن (اما ضروری): اگر بدون اذن باشد ولی برای نجات جان ضروری باشد، اصل عمل جایز است؛ اما طبق تصریح در مورد قرنیه، اگر بدون اذن باشد موجب دیه است.

حاصل مطلب این است که قانون باید تصریح کند که در صورت وجود «وصیت‌نامه» یا «کارت اهدای عضو»، کادر درمان از پرداخت دیه بری‌الذمه هستند. همچنین در مواردی که وصیت نیست اما ولی قهری اجازه می‌دهد، باز هم دیه ساقط است. تنها در صورتی که «ضرورت حیاتی» وجود دارد اما «هیچ اذنی» (نه از میت نه از ولی) وجود ندارد، دیه ثابت می‌شود که در این موارد خاص، می‌توان سازوکاری اندیشید که «بیت‌المال» یا «صندوق‌های بیمه» دیه را جهت رعایت جنبه احتیاط پرداخت کنند تا جان بیمار گیرنده نجات یابد.

۲.۴. گیرنده عضو: مسلمان و غیرمسلمان

یکی از مباحث حساس، اهدای عضو مسلمان به غیرمسلمان است. برخی نظرات ممکن است این امر را ممنوع و موجب تقویت کفر تلقی کنند؛ اما فتاوی مقام معظم رهبری در این موضوع بسیار راهگشاست. از نظر ایشان در اهدای عضو جهت پیوند، فرقی نیست که گیرنده مسلمان باشد یا غیرمسلمان. مطلق اضرار به نفس دلیل بر حرمت ندارد و اگر نجات جان گیرنده مسلمان متوقف بر پیوند باشد، چه بسا واجب است. حاصل مطلب این است که اصل انسانی «نجات جان» و «کرامت انسانی» در اینجا حاکم است. قانون‌گذار نباید محدودیتی در مورد مذهب یا دین گیرنده اعمال کند. این فتوا اجازه می‌دهد که شبکه پیوند اعضا در ایران با استانداردهای بین‌المللی و بدون تبعیض مذهبی فعالیت کند که خود موجب وهن اسلام نخواهد شد. البته در مورد «تشریح» (که هدف آموزشی است نه درمانی)، اولویت با جسد غیرمسلمان است، اما در «پیوند» (که هدف نجات جان است)، این قید وجود ندارد.

۲.۵. پیوند از اعضای حیوان

با توجه به سرعت پیشرفت‌های دانش پزشکی و احتمال رواج پیوند اعضای حیوان به انسان، نظر فقهی در این باره برای آینده‌نگری قانون مهم است. در این راستا مقام معظم رهبری استفاده از اعضای حیوانات، حتی نجس‌العین مثل را جایز می‌دانند. پس از پیوند، این عضو «جزو بدن انسان» محسوب شده و احکام نجس‌العین بر آن بار نمی‌شود و نماز با آن نیز صحیح است.

در نتیجه قانون‌گذار می‌تواند مسیر تحقیقات و درمان‌های نوین با استفاده از بافت‌های حیوانی را باز بگذارد و منع شرعی در این خصوص وجود ندارد.

۲.۶. تشریح در برابر پیوند

باید میان «تشریح» (برای آموزش) و «پیوند» (برای درمان) تفکیک قائل شد. در تشریح اصل بر عدم جواز استفاده از جسد مسلمان است، مگر جسد غیرمسلمان یافت نشود و ضرورت آموزشی باشد. اما در پیوند، نجات جان انسان (مسلمان یا غیرمسلمان) ملاک است و محدودیت‌های تشریح را ندارد.

توصیه‌های سیاستی

براساس تحلیل‌های فقهی فوق، توصیه‌های زیر جهت تدوین یا اصلاح قوانین مربوط به پیوند اعضا به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد می‌گردد:

۱. به رسمیت شناختن وصیت و اسقاط حق ونوی اولیا: ماده قانونی باید تصریح کند که «وصیت‌نامه رسمی» یا «کارت اهدای عضو معتبر» متوفی، به منزله اذن قطعی تلقی شده و رضایت اولیای دم در این موارد، شرط صحت عمل یا مانع اجرای وصیت نخواهد بود. این امر منطبق با فتاوی‌ای رهبری در خصوص کفایت اذن میت و سقوط دیه است.

۲. تفکیک حقوقی «پیوند» از «تشریح»: در قانون باید مرز مشخصی میان «برداشت عضو برای نجات جان» و «تشریح برای آموزش» ترسیم شود. محدودیت‌های سخت‌گیرانه (مانند لزوم استفاده از جسد غیرمسلمان) باید صرفاً معطوف به تشریح باشد و در حوزه پیوند درمانی، فوریت و نجات جان ملاک قرار گیرد.

۳. معافیت از دیه: قانونی تصویب شود که تیم پزشکی را در دو حالت از پرداخت دیه و قصاص مبرا کند: الف) وجود اذن قبلی اهداکننده؛ ب) وجود اذن اولیای قانونی. در موارد «ضرورت حیاتی بدون اذن»، پرداخت دیه (در صورت مطالبه اولیا) برعهده بیت‌المال یا صندوق‌های حمایت از بیماران خاص قرار گیرد تا پزشکان از اقدام نجات‌بخش باز نمانند.

۴. **عدم تبعیض مذهبی در گیرندگان:** با توجه به فتوای صریح مقام معظم رهبری، قانون نباید هیچ گونه ممنوعیتی برای پیوند عضو مسلمان به غیرمسلمان (و بالعکس) ایجاد کند. سیستم تخصیص عضو باید صرفاً براساس «اولویت پزشکی» و «فوریت حیات» تنظیم شود.

۵. **قانونی سازی پیوند از حیوان و سلول های بنیادی:** با توجه به جواز فقهی، بسترهای قانونی برای شرکت های دانش بنیان و مراکز درمانی جهت استفاده از اعضای حیوانات و فناوری های نوین فراهم شود تا در آینده جایگزین کمبود اهداکننده انسانی گردد.

گزارش راهبردی

